

د فصلنامه ویژه پژوهشهای ادبی و متن‌شناختی

دوره سوم، سال اول، شماره اول و دوم (پیاپی: ۷۴-۷۵)، بهار-تابستان ۱۴۰۳

۷۴-۷۵



(ویژه‌نامه قطران تبریزی)

آذربایجان، آذرگشنسب، قطران، شاهنامه / حسن انوری • دیوان قطران به تصحیح دکتر محمود عابدی و دکتر مسعود جعفری جزئی / علی‌اشرف صادقی • تصحیح دیوان قطران / محمود عابدی • قطران و سوگسرود زلزله تبریز / نصرالله امامی • ویرایشی سزاوار از دیوان قطران / مسعود قاسمی • دیوان قطران تبریزی به خط انوری ایبوردی محفوظ در کتابخانه علامه جعفر سلطان‌القرایی / محمد امین سلطان‌القرایی • قطران؛ نماد وحدت فرهنگی ایران در قرن پنجم / باقر صدری‌نیا • بیان کنایی و تصویری؛ یکی از شگردهای سبکی قطران / رحمان مشتاق‌مهر • قطران تبریزی و بازپروری هویت ایرانی در آذربایجان / محمود فتوحی رودمعهنی • نگاهی گذرا به تصحیح جدید از دیوان قطران تبریزی / جمشید علیزاده • قطران، شاعری که از نو باید شناخت / مسعود جعفری جزئی • ملاحظات پیرامون رباعیات قطران تبریزی / سید علی میرافضلی • اشعار نویافته قطران تبریزی / بهروز ایمانی • «میسانی»؛ منسوجی در دیوان قطران / شهره معرفت • مهم‌ترین ویژگی شعر قطران تبریزی در مشهورترین نمونه شعری وی و جست‌وجوی سوابق آن / محمود ندیمی‌هرندی • به دام افتادن بهرام در هند (بک تلمیح داستانی ناشناخته در دیوان قطران تبریزی) / سجّاد آیدینلو • در حاشیه دیوان قطران تبریزی / گلپر نوری • شعر قطران تبریزی و لغت‌نامه دهخدا (بخش دوم) / نهمینه عطائی کچونی • کتاب‌شناسی قطران تبریزی / عباس بگ‌جانی • نکاتی درباره شعر و دیوان قطران / جواد بشری • بررسی زبانی و متنی دیوان قطران تبریزی / وحید عیدگاه طریقه‌ای • پس‌وند صفت‌فاعلی ساز «-بر» و تصحیح بیت از قطران تبریزی / مسعود راستی‌پور • درباره تصحیح دیوان قطران تبریزی / محسن شریفی صبحی • قطران تبریزی / ایرج دهقان؛ ترجمه: حمیرا مفتی

شماره استاندارد بین‌المللی
۱۵۶۱-۹۴۰۰

آینه میراث

دوفصل‌نامه ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی
(ویژه‌نامه قطران تبریزی)

دوره سوم، سال اول، شماره اول و دوم (پیاپی: ۷۴-۷۵)، بهار - تابستان و پاییز - زمستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

دبیر ویژه‌نامه: مهدی رحیم‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی‌پاک

هیئت تحریریه

سجاد آیدنلو، بهروز ایمانی، محمد جعفری (قنواتی)، نجفقلی حبیبی، اصغر دادبه، محمد روشن، عمادالدین شیخ‌الحکمایی،
علی‌اشرف صادقی، نصرالله صالحی، منصور صفت‌گل، علی صفری آق‌قلعه، محمود عابدی، احمدرضا قائم‌مقامی

مشاوران علمی

محمود امیدسالار (آمریکا)، علی بلوکباشی، اکبر ثبوت، جلال خالقی مطلق، فرانسیس ریشار (فرانسه)، توفیق سبحانی، منوچهر
صدوقی‌سها، پاول لوفت (انگلستان)، عارف نوشاهی (پاکستان)، یان یوست ویتکام (هلند)

صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

* این مجله در پایگاه مجلات تخصصی نورمگز (www.noormags.ir)، بانک اطلاعات نشریات کشور
(www.magiran.ir)، پایگاه اطلاع‌رسانی پارسا (www.islamicdatabank.com)، پایگاه مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی
علوم و فناوری (www.ricet.ac.ir)، و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (www.isc.gov.ir) نمایه می‌شود.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه ۲، واحد ۹

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲ - ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.com

رایانامه ارسال مقالات: ayenemiras@mirasmaktoob.ir

بها: ۲۰۰۰۰۰ تومان

فهرست

۵	سخن آغازین / مهدی رحیم‌پور
۹	آذربایجان، آذرگشنسپ، قطران، شاهنامه / حسن انوری
۲۳	دیوان قطران به تصحیح دکتر محمود عابدی و دکتر مسعود جعفری جزی / علی‌اشرف صادقی
۳۵	تصحیح دیوان قطران / محمود عابدی
۴۷	قطران و سوگ‌سرود زلزله تبریز / نصرالله امامی
۵۹	ویرایشی سزاوار از دیوان قطران / مسعود قاسمی
۶۹	دیوان قطران تبریزی به خط انوری ابیوردی محفوظ در کتابخانه ... / محمد امین سلطان‌القرایی
۸۳	قطران؛ نماد وحدت فرهنگی ایران در قرن پنجم / باقر صدری‌نیا
۹۱	بیان کنایی و تصویری؛ یکی از شگردهای سبکی قطران / رحمان مشتاق‌مهر
۱۰۹	قطران تبریزی و بازپروری هویت ایرانی در آذربایجان / محمود فتوحی رودمجبئی
۱۲۹	نگاهی گذرا به تصحیح جدید از دیوان قطران تبریزی / جمشید علیزاده
۱۳۷	قطران، شاعری که از نو باید شناخت / مسعود جعفری جزی
۱۴۷	ملاحظات پیرامون رباعیات قطران تبریزی / سید علی میرافضلی
۱۶۷	اشعار نویافته قطران تبریزی / بهروز ایمانی
۱۹۱	«میسانی»؛ منسوجی در دیوان قطران / شهره معرفت
۲۰۳	مهم‌ترین ویژگی شعر قطران تبریزی در مشهورترین نمونه شعری وی و ... / محمود ندیمی هرنیدی
۲۱۵	به دام افتادن بهرام در هند (یک تلمیح داستانی ناشناخته در دیوان قطران تبریزی) / سجاد آیدینلو
۲۲۷	در حاشیه دیوان قطران تبریزی / گلپر نصری
۲۴۹	شعر قطران تبریزی و لغت‌نامه دهخدا (بخش دوم) / تهمنه عطائی کچوئی
۲۸۵	کتاب‌شناسی قطران تبریزی / عباس بگ‌جانی
۲۹۵	نکاتی درباره شعر و دیوان قطران / جواد بشری
۳۲۳	بررسی زبانی و متنی دیوان قطران تبریزی / وحید عیدگاه طریقه‌ای
۳۴۹	پس‌وند صفت‌فاعلی‌ساز «- بر» و تصحیح بیتی از قطران تبریزی / مسعود راستی‌پور
۳۶۱	درباره تصحیح دیوان قطران تبریزی / محسن شریفی‌صحی
۳۷۳	قطران تبریزی / ایرج دهقان؛ ترجمه: حمیرا مفتی
3	چکیده انگلیسی /

قطران، شاعری که از نو باید شناخت

مسعود جعفری جزی *

چکیده

از میان شعرای نامدار فارسی گوی آذربایجان، قطران نخستین آنهاست که دیوانی از او به دست ما رسیده است. اما به رغم اهمیتی که دارد، چنان که باید، بدان توجه نشده است. دور بودن از خراسان، جدا افتادن از جمع شاعران زمان، نداشتن ممدوح نامدار، مقیم نبودن در یک شهر یا دربار، نوع درون مایه و مضامین شعر او و ... از دلایل کم توجهی به اشعار قطران بوده است. از طرفی شعر قطران از جهات گوناگون شایستگی هایی دارد که در این مقاله بدان ها پرداخته شده است.

کلیدواژه ها: قطران، آذربایجان و آران، دیوان قطران، وهسودان

قطران تبریزی نخستین شاعر نامدار آذربایجان است که شعر او به دست ما رسیده است؛ بنابراین، او را باید بلافاصله پس از پیشاهنگان خراسانی شعر فارسی، و نیز پس از شاعرانی چون رودکی و فردوسی، از قدیم‌ترین گویندگان شعر فارسی به شمار آورد.

با نگاهی اجمالی به تاریخ ادبیات، به آسانی می‌توان دریافت که به این شاعر پیشگام تاکنون - چنان‌که باید - توجه نشده است و قطران در قیاس با همگنان خراسانی خود همچون فرخی و منوچهری، از جایگاهی که شایسته اوست، محروم مانده است. بی‌اعتنایی به قطران و کم‌توجهی به شعر او دلایل متعددی دارد که برخی از مهم‌ترین‌شان عبارت‌اند از:

۱. قطران در روزگار درخشش شعر خراسانی، در منطقه‌ای دور از خراسان شعر می‌سروده است و به همین دلیل، هم در زمان حیات و هم پس از آن، نگاه‌هایی که به خراسان خیره بوده‌اند کمتر به او توجه داشته‌اند. خود قطران بارها از خراسان به نیکی یاد کرده است؛ از جمله در بیتی در باب شعر ممدوح خود، با لحنی ستایش‌آمیز از کسانی یاد می‌کند که خراسانی‌اند یا خراسان را دیده‌اند (قطران، ۱۴۰۲: ۱۳۶/۱). در جای دیگر نیز به رونق و آبادانی خراسان اشاره کرده است (همان: ۳۷۶/۱). طبیعی است که شاعران، تذکره‌نویسان و شعردوستان که همواره به کانون اصلی شعر در آن عصر نظر داشته‌اند به شعر او کمتر توجه کنند. بعدها، با حضور سعدی و حافظ، شیراز همین جایگاه را به دست آورد و همام تبریزی چنین شکوه می‌کرد:

همام را سخن دلفریب و شیرین است ولی چه سود که بیچاره نیست شیرازی
(همام تبریزی، ۱۴۰۱: ۱۵۳)

درواقع، با وام گرفتن سخن همام تبریزی، می‌توان گفت که قطران نیز اشعار «دلفریب و شیرین» دارد، اما از آنجا که زندگی‌اش در محیط دیگری به جز کانون ادب عصر سپری شده، کمتر به او توجه کرده‌اند.

۲. جداافتادگی قطران از جمع شاعران زمان و نبودن شاعرانی هم‌تا و هم‌اورد او در آذربایجان. برخلاف آنچه در نگاه اول به ذهن می‌آید این وضعیت به درخشش شاعر کمکی نکرده است. این جداافتادگی، با اینکه قطران را در جایگاه شاعری بی‌رقیب در زمان حیاتش قرار داد، اما درعین حال او را از کانونی ادبی نظیر آنچه در دربار غزنویان بود، محروم کرد.

یقیناً در زمان حیات او شاعران دیگری هم در آژان و آذربایجان می‌زیسته‌اند. خود قطران هم در اشعارش به این نکته اشاره کرده است (قطران، ۱۴۰۲: ۲۰۶/۱، ۴۹۳)، اما هیچ‌یک از آنان در شاعری پایه و مایه او را نداشته‌اند. اسدی طوسی نامدارترین شاعر معاصر قطران است، اما به دلایلی که نمی‌دانیم و باینکه ممدوحان مشترکی هم داشته‌اند، در اشعارشان ذکر و یادی از یکدیگر نکرده‌اند.

۳. عامل دیگر را در این واقعیت باید جست‌وجو کرد که قطران گرچه ممدوحان فراوانی داشته است و دست‌کم یکی از آنان، یعنی فضلون شددادی، به او صله‌هایی گرانبها داده است، اما از داشتن ممدوحی نامدار چون سلطان محمود غزنوی محروم بوده است. خاقانی در تعریضی که به عنصری دارد، به درستی می‌گوید که:

به معشوق نیکو و ممدوح نیک / غزل‌گوشد و مدح‌خوان عنصری
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۹۲۶)

اگر قطران، در طول حیات خود، در درباری باشکوه در خدمت ممدوحی بزرگ بود، یقیناً جایگاه والاتری می‌یافت.

۴. قطران شاعری، به اصطلاح، «مقیم» نبوده و به شهرها و دربارهای گوناگون رفت‌وآمد داشته است. این واقعیت نیز موجب شده است که - آن‌چنان‌که باید - مورد توجه قرار نگیرد. این جابه‌جایی‌ها مانع از آن شده است که شهرت او در یک شهر یا دربار تمرکز یابد و گسترده شود. قطران بارها به رفت‌وآمدهایش به دربارها اشاره کرده است و گاه از اینکه ممدوح به او اجازه سفر نمی‌داده گله کرده است (برای نمونه، نک. قطران، ۱۴۰۲: ۲۱۷/۱، ۶۷۴/۲). شاید یک دلیل اینکه از دیوان قطران نسخه‌های کهن به جای نمانده همین واقعیت است که او در درباری مقتدر استقرار نداشته است که دیوان او به فرمان ممدوح کتابت و حفظ شود.

۵. طبعاً درون‌مایه‌ها و مضامین شعر قطران نیز که عمدتاً مدح و کمتر از آن وصف و تغزل است در کم‌اعتنایی به سروده‌های او نقش داشته است. باین‌حال، این عامل به‌تنهایی نمی‌تواند موجب این کم‌اعتنایی شده باشد.

۶. جایگاه قطران در عصر ما ریشه در تحولاتی دارد که از دوران افشاریه و زندیه و

شکل‌گیری نهضت بازگشت ادبی در ایران رخ داد. گرایش شاعران و ادیبان دوره بازگشت به شعر خراسانی و عراقی موجب شد که در سرآغاز عصر جدید به شعر آذربایجان قدیم کمتر توجه شود، زیرا همه نگاه‌ها به شاعران نامدار خراسان و عراق معطوف شده بود. شعر قطران هرچند از جنس شعر خراسانی بود، همچنان در حاشیه باقی ماند و بعدها نیز وارد کتاب‌های درسی نشد و در برنامه درسی رشته ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها نیز جایی نیافت.

۷. احمد کسروی در عصر رضاشاه به اهمیت تاریخی اشعار قطران پی برد و در تألیف

کتاب ارزشمند شهریاران گمنام، برای شناسایی حاکمان فراموش شده ازان و آذربایجان، به سروده‌های قطران توجه کرد. باین حال، کسروی به ارزش ادبی و زیبایی‌شناختی سروده‌های قطران اعتنایی نداشت. این نکته نیز به این تصور انجامید که گویی اشعار این شاعر صرفاً ارزش تاریخی و تحقیقی دارد و درخور بررسی‌های ادبی و هنری نیست.

۸. دیوان قطران، در قیاس با دیوان دیگر شاعران قرون نخست هجری، دیر به چاپ رسید. کسروی در تحقیقات خود از نسخه‌های خطی دیوان استفاده کرد. دیوان قطران به کوشش استاد فقید نخجوانی در سال ۱۳۳۳ به چاپ رسید و تا سال‌های اخیر تجدید طبع نشد. اگر دیوان قطران زودتر منتشر شده بود و مرتب تجدید طبع شده بود، در ترویج شعر او مؤثر واقع می‌شد.

۹. کیفیت چاپ نخجوانی هم در این فرایند تأثیر داشته است. البته بسیاری از چاپ‌های دیوان شاعران قدیم، به‌ویژه در نخستین نشر این آثار، کیفیت مطلوبی نداشته‌اند، اما به مرور زمان چاپ‌ها و تصحیح‌های بهتری از آنها به دست داده شده است. درواقع، اهل ادب در این زمینه، اگر نگوییم قصور، دست‌کم غفلت داشته‌اند.

۱۰. از زمان نشر دیوان قطران تاکنون هیچ منتخب یا گزیده‌ای از سروده‌های او فراهم نیامده است. حتی در مجموعه نسبتاً گسترده «شاهکارهای ادب فارسی» که از پیش از انقلاب در انتشارات امیرکبیر فراهم آمد و در سال‌های اخیر نیز بر عناوین آن افزوده شد، گزیده اشعار قطران دیده نمی‌شود.

می‌توان دلایل و علّت‌های دیگری هم برای کم‌اعتنایی به شعر قطران جست‌وجو کرد، اما در اینجا به همین موارد بسنده می‌کنیم. مهم‌تر از پرداختن به این علل و دلایل، پاسخ دادن

به این پرسش است که آیا شعر قطران حقیقتاً درخور توجه بیشتر بوده است؟ پاسخ این پرسش یقیناً مثبت است.

شعر قطران از جهات گوناگون شایسته آن است که بیش از پیش خوانده شود، در دسترس مخاطبان قرار گیرد و در باب آن از دیدگاه‌های مختلف صوری و محتوایی تحقیق شود. در اینجا برخی از مهم‌ترین عوامل و دلایل اهمیت شعر قطران و ضرورت توجه به آن را به اختصار ذکر می‌کنیم.

۱. قطران نخستین شاعر شناخته‌شده اژان و آذربایجان است. بنابراین، دیوان او سنگ‌بنای سنت ادبی آن منطقه است. به تعبیر خود قطران، او کسی است که «در شعر دری» را بر دیگران گشوده است (قطران، ۱۴۰۲: ۶۸۷/۲). واضح است که برای شناخت شعر و ادب فارسی در آن منطقه، به ناگزیر، باید از شعر او شروع کرد. قطران در پایه‌گذاری و ترویج شعر فارسی در آن منطقه نقشی اساسی و بی‌بدیل داشته است. بدون قطران وضع شعر و ادب اژان و آذربایجان به گونه‌ای دیگر شکل می‌گرفت؛ به‌ویژه که او شاعری غیرمقیم بوده است و به شهرها و دربارهای گوناگون رفت‌وآمد داشته و بذر شعر دری را در آن سامان پراکنده است. بدون ظهور قطران امکان ظهور شاعرانی همچون مجیر بیلقانی، فلکی شروانی، ابوالعلاء گنجوی، نظامی و خاقانی وجود نداشت و معلوم نبود این سنت ادبی چه حال‌وهوایی پیدا کند؛ کم‌اینکه در مناطق مرکزی ایران، در همان زمان‌ها، چون شاعر فارسی‌گوی بزرگی ظهور نکرد، نضج و گسترش شعر فارسی چند قرن بعدتر امکان‌پذیر شد.

۲. قطران، علاوه بر پیشگامی در ترویج شعر دری در اژان و آذربایجان، مستقیماً بر شاعران پس از خود در آن منطقه تأثیر نهاده است؛ برای نمونه خاقانی، با وجود روحیهٔ مفاخره‌جویانه و خودبزرگ‌بینانه‌اش، به‌صراحت از قطران نام برده و خود را برتر از او شمرده است (خاقانی، ۱۳۸۴: ۲۳۷). همین امر نشانه‌ای آشکار از تأثیر پایدار قطران در تکوین سنت ادبی آن منطقه است. همچنین قطران بارها خود را به حسن بن ثابت انصاری، شاعر ستایشگر پیامبر اسلام، تشبیه کرده است (قطران، ۱۴۰۲: ۳۸۴/۱، ۳۹۴ و...). خاقانی هم خود را «حسن العجم» نامیده است (خاقانی، ۱۳۸۲: ۱۷، ۵۶ و...).

قطران بارها در اشعار خود، به شیوه‌های گوناگون، به داستان خسرو و شیرین و فرهاد

اشاره کرده است. این بسامد به اندازه‌ای است که صاحب‌نظران به این نتیجه رسیده‌اند که به احتمال بسیار این داستان در آن منطقه، که به لحاظ جغرافیایی به ارمنستان و بیستون نزدیک است، رواج داشته و مردم آن را به خوبی می‌شناخته‌اند و همین نکته موجب شده است که نظامی گنجوی نیز آن را به نظم درآورد (درباره این موضوع، نک. فروزانفر، ۱۳۵۱: ۲۰۷-۲۰۸؛ اورساتی، ۱۴۰۱: ۱۵۳-۱۵۵).

۳. دیوان قطران، گذشته از جنبه ادبی، سندی تاریخی است که تاریخ سیاسی و اجتماعی اژان و آذربایجان در قرن پنجم بدون توجه به آن غیرممکن است. اهمیت این جنبه از اشعار قطران با تحقیقات کسروی آشکار شد، اما جوانب تاریخی و اجتماعی شعر قطران به آنچه کسروی به آن توجه کرده محدود نمی‌شود و به‌ویژه برخی بیت‌های نویافته در تصحیح جدید دیوان قطران زمینه‌کندوکاو بیشتر در این باب را فراهم آورده است؛ برای نمونه، کسروی درباره اینکه قطران با اینکه سال‌ها پس از مرگ ممدوح نامدارش، ابومنصور وهسودان، زنده بوده ولی هیچ مرثیه‌ای برای او نسروده، اظهار شگفتی کرده و حتی این فرضیه را مطرح کرده است که احتمالاً قطران پیش از مرگ وهسودان درگذشته است و اشعاری که پس از مرگ این ممدوح نامدار قطران سروده شده‌اند از شاعر دیگری است که شاید پسر قطران بوده است (کسروی، ۱۴۰۳: ۲۱۲). با توجه به اشعار نویافته قطران به‌روشنی می‌توان دریافت که او از مرگ وهسودان سخن گفته و ضمن بازگویی احوال خودش و ستمی که بعد از وهسودان بر او رفته، به صله‌ها و هدیه‌های وهسودان هم اشاره کرده است (قطران، ۱۴۰۲: ۷۶۹/۲). بنابراین، همه این فرضیات غیرضروری و بی‌اعتبار است.

۴. هنر قطران در به‌کارگیری انواع جناس و توجه به موسیقی کلام در تاریخ طولانی ادبیات فارسی بی‌مانند است و از این لحاظ هیچ شاعری با او قابل مقایسه نیست. نکته مهم این است که قطران، برخلاف برخی مقلدان او و دیگر شاعرانی که به اصطلاح قصاید بدیعی سروده‌اند، در این کار دچار تکلف نشده است.

این جنبه از هنر قطران از زمان حیات او مورد توجه شاعران و ادیبان بوده است و شاعران در طول تاریخ ادبیات، او را از این جهت سرمشق قرار داده‌اند. تأثیر این هنر قطران را از دیوان فلکی شروانی تا قآنی شیرازی می‌توان دید.

مشهورترین شعر جناس محور قطران ترکیب بند اوست با مطلع:

یافت زی دریا دگر بار ابر گوهر بار بار باغ و بستان یافت گوهر ز ابر گوهر بار بار
(همان: ۶۸۹/۲)

البته این هنر در دیگر اشعار او نیز به وفور دیده می شود:

دماری، تو ای چشم دل را دماری دم آری به چشم اندر، ای دل، دم آری
(همان: ۵۸۴/۱)

قطران در قصیده ای دیگر به مطلع:

مرا دی رسول آمد از نزد یارا که نزیار یاد آوری نزیار
(همان: ۲۴/۱)

در همه بیت ها، واژه های قافیه را دوگان دوگان با جناس به کار برده است: «شمارا / شما را، چنارا / چه نارا، کارزارا / کار زارا و ...».

۵. علاوه بر جناس، برخی ابتکارهای صوری و موسیقایی دیگر هم در شعر قطران دیده می شود که در شعر شاعران پیش از او، به این صورت، سابقه ندارد و بعدها شاعران به تقلید از قطران به این اسلوب ها توجه کرده اند؛ از جمله این ابتکارها سرودن قصاید تمام مطلع یا توجه به دیگر التزام های بدیعی است. قطران در یکی از قصایدش، در همه ایات، به این طرز بیان پایبند بوده است: «اگر نه ... چرا ...»:

اگر نجست زمانه بالای خلق جهان چرا ز خلق جهان روی او نکرد نهان
نکته مهم در باب جناس و دیگر التزام های بدیعی قطران این است که او در این هنرنمایی ها دچار تکلف نشده و اشعاری سروده است که هم عواطف و احساسات را به خوبی به مخاطب منتقل می کند و هم ارزش زیبایی شناختی دارد. فروزانفر در باب این هنر قطران می گوید:

با آنکه دقایق صنایع شعری را رعایت کرده و در بهین صورت جلوه داده و ناچار می بایست اشعارش از رونق و زیبایی الفاظ و تناسب معانی عاری ماند، مضامین لطیف و نکات دلفریب گنجانیده و نیز سلاست و روانی عبارات و توازن افکار را از دست نداده است، چنان که خوانندگان فریفته و شیفته بیان زیبا و لحن سحرانگیز وی گردیده، شاید که در نخستین نظر بدان تکلفات پی نبرند (فروزانفر، ۱۳۸۴: ۴۹۴).

۵. دیوان قطران از این نظر نیز اهمیت دارد که گنجینه‌ای از شعر مدحی قرن پنجم است. امروزه مدیحه سرایی رواج ندارد، اما از سرآغاز شعر فارسی تا عصر مشروطه یکی از مهم‌ترین موضوعات شعری بوده است. برای شناخت شعر مدحی و تحوّل آن باید به سروده‌های قطران نیز توجّه کنیم. بلاغت و سخنوری قطران در عرصه مدیحه‌سرایی نیز درخور تأمل است. یکی از هنرهای او در این عرصه در آن بخش از قصاید مدحی او دیده می‌شود که اصطلاحاً به آن «تخلّص» می‌گویند و شاعر پس از تشبیب و تغزّل و غیره وارد مدح ممدوح می‌شود. از دیرباز به این هنر قطران توجّه شده است (نک. هدایت، ۱۳۸۴: ۷۸).

۶. جنبه دیگری از هنر قطران که شایسته توجّه بیشتر است تغزّل و شعرهای عاشقانه اوست. توصیف حالات ظاهری و خلق و خوی معشوق و بیان روابط عاشقانه و شرح عشق و عاشقی در شعر قطران جلوه‌ای خاص و ممتاز دارد. اسلامی ندوشن در کتاب روزها بیت‌هایی از یکی از تغزّل‌های قطران را در وصف همراه زندگی‌اش ذکر کرده است:

یک بار بود عید به سال اندر یک بار همواره مرا عید ز دیدار تو هموار ...

(اسلامی ندوشن، ۱۳۹۱: ۷۵/۴؛ نیز نک. قطران، ۱۴۰۲: ۱۹۲/۱)

معشوق قطران به گونه‌ای توصیف می‌شود که با همه دلبری و طنازی، گاه می‌توان به آسانی از او کناره گرفت. این ویژگی شعرهای عاشقانه قطران توجّه صاحب‌نظران را نیز به خود جلب کرده است (فروزانفر، ۱۳۸۴: ۴۹۷).

۷. توصیف طبیعت جلوه‌گاه دیگر هنر شاعری قطران است. مواجهه قطران با طبیعت شبیه به رویکرد شاعران خراسانی است. او نیز به وصف بهار، خزان، آب روان، برکه و ... می‌پردازد، اما در ترسیم مناظر و ذکر جزئیات خلاقیت‌های ویژه خود را نیز دارد. برای نمونه شاعر برگ بنفشه را، که تیره‌رنگ است و بر روی برگ سرخ‌رنگ لاله افتاده، به سر زلف معشوق تشبیه می‌کند که بر چهره او قرار گرفته است:

چون به رخ دوست برفتاده سر زلف برگ بنفشه به برگ لاله برفتاد

(قطران، ۱۴۰۲: ۸۵/۱)

۸. وصف جنگ و نبرد و توصیف پهلوانی‌های ممدوح جلوه دیگری از هنر قطران است

که شایسته توجّه بیشتر است. آنچه قطران درباره ممدوحانش گفته غالباً همان سخنان مرسوم در میان شاعران مدیحه‌پرداز است و تشخّص چندانی ندارد، اما برخی گزارش‌های او از صحنه‌های برخی جنگ‌های معین با جزئی‌نگری همراه است و تازگی دارد. برای نمونه، شاعر در جایی به این نکته اشاره می‌کند که ممدوح، برخلاف نظر دیگران، تصمیم می‌گیرد به‌جای دفاع از شهر، به دشمن حمله کند (همان: ۲۱۱/۱). در قصیده‌ای دیگر، شاعر جزئیات رفتن ممدوح از شهر گنجه به میدان نبرد و بازگشت پیروزمندانه‌اش را شرح می‌دهد (همان: ۴۶۰/۱).

۹. جلوه‌گاه دیگر هنرنمایی قطران که امروزه نیز برای حفظ و گسترش غنای زبان فارسی بسیار اهمیت دارد، زبان ساده و سالم و متمایل به واژه‌سازی خلاقانه است. دیوان قطران، علاوه بر اینکه گنجینه ارزشمند واژگان و ترکیب‌ها و تعبیرهای گوناگون است، لغاتی را در بر دارد که گویی شاعر آگاهانه آنها را در مقابل لغات عربی وضع کرده است، بی آنکه دچار تکلف و تصنع شود؛ برای نمونه، «بوینده: معطر»، «تیمارکش: مغموم»، «آفرین‌گر: مدّاح»، «نگاریده: منقش» و ... (همان: ۱/ مقدمه، هشتادونه).

ساخت‌های گوناگون واژه، ترکیب و تعبیر در دیوان قطران به دلیل تنوع و رسایی و طراوت زبان او، باید بیشتر مورد توجّه باشد. امروزه می‌توان از این گنجینه زبانی مستقیماً بهره برد و همچنین از اسلوب و الگوی واژه‌پردازی شاعر هم استفاده کرد.

۱۰. اشعار قطران و زندگی او سرمایه‌ای ارزشمند است که نه تنها حلقه‌ای مهم از زنجیره ادب فارسی است بلکه، علاوه بر آن، گوهری درخشان از گنجینه تاریخی ایران فرهنگی و قلمرو تاریخی زبان فارسی و فرهنگ ایرانی است. چه بخواهیم و چه نخواهیم، قطران بخش عمده‌ای از زندگی خود را در سرزمین‌هایی زیسته که امروز در درون جغرافیای سیاسی ایران قرار ندارند. حفظ و بازشناسی این قلمرو فرهنگی که میراث مشترک ما و همسایگان مان است جز با بازخوانی آثاری همچون دیوان قطران میسر نیست.

درمجموع باید گفت که قطران که اکنون، با تصحیح تازه دیوان او، از نو کشف و بازیابی شده است، درحقیقت گنج باز یافته‌ای است که بررسی و واکاوی آثارش تازه آغاز شده است و این فرایند یقیناً برای فرهنگ و ادب دیروز و امروز ما خجسته و بابرکت خواهد بود.

منابع

- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۹۱). روزها، ج ۴. تهران: یزدان.
- اورساتی، پائولا (۱۴۰۱). «فرهاد»، نظامی گنجوی: زندگی و آثار (برگزیده مقالات دانشنامه زبان و ادب فارسی). به سرپرستی اسماعیل سعادت و به کوشش آمنه بیدگلی. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- خاقانی، افضل الدین بدیل (۱۳۸۲). دیوان. با تصحیح، مقدمه و تعلیقات ضیاء الدین سجادی. تهران، زوار.
- _____ (۱۳۸۴). منشآت. تصحیح و تحشیۀ محمد روشن. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۵۱ ش). مجموعه مقالات و اشعار بدیع الزمان فروزانفر. به کوشش عنایت الله مجیدی. تهران: کتابفروشی دهخدا.
- _____ (۱۳۸۴). سخن و سخنوران. تهران: خوارزمی.
- قطران تبریزی (۱۴۰۲). دیوان، ج ۲. به تصحیح محمود عابدی و مسعود جعفری جزی، با همکاری شهره معرفت و تهمنه عطائی کچوئی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- کسروی، احمد (۱۴۰۳). شهریاران گمنام. تهران: نگاه.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۴). مدارج البلاغه در علم بدیع. تصحیح حمید حسنی، با همکاری بهروز صفرزاده. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- همام تبریزی، محمد بن فریدون (۱۴۰۱). دیوان. به تصحیح رشید عیوضی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

Ayene-ye Miras, Third ser., vol. 1, nos. 1-2 (74-75),
Spring-Summer 2024 and Autumn 2024–Winter 2025

Revisiting Qaṭrān: A Poet Who Must be Rediscovered

Masoud Jafari Jazi

Abstract

Among the prominent Persian-speaking poets from Azerbaijan, Qaṭrān stands out as the earliest poet whose Divan has endured over time. Despite his notable contributions to Persian literature, Qaṭrān remains underappreciated and warrants further recognition. Geographical distance from Khorasan, isolation from contemporaneous poets, absence of a notable patron, lack of association with a specific city or court, as well as the thematic nuances of his poetry have collectively led to the marginalization of his poetry. Conversely, this article delves into the various commendable aspects of Qaṭrān's poetic endeavors, shedding light on the intricacies of his literary merit.

Keywords: Qaṭrān, Azerbaijan and Arrān, Qaṭrān's Divan, Wahsudān